



بررسی عوامل مؤثر بر درگیری تحصیلی و انگیزه دانش آموزان

بهزاد محسنی آهنگر

کارشناسی رشته ساخت و تولید



MDQJ-02-2026.0399
MNR-413-2-7FE89D

درگیری تحصیلی به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، نقشی محوری در پژوهش‌های علوم تربیتی ایفا می‌کند. این مقاله با هدف بررسی مبانی نظری و عوامل مؤثر بر درگیری تحصیلی و انگیزه دانش آموزان نگاشته شده است. بر اساس چارچوب نظریه خودتعیین‌گری و مدل سه‌بعدی فردریکس و همکاران (۲۰۰۴)، درگیری تحصیلی در سه مؤلفه رفتاری، شناختی و عاطفی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. یافته‌های مرور نظام‌مند پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حمایت‌های محیطی شامل حمایت والدینی، حمایت معلم و حمایت همسالان، از طریق تأمین نیازهای بنیادی روانشناختی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی درگیری تحصیلی عمل می‌کنند. همچنین، ابعاد ادراک از جو مدرسه از جمله حمایت معلم، حمایت همسالان، خودمختاری دانش آموزان و شفافیت قوانین، با میانجی‌گری انگیزه پیشرفت، درگیری تحصیلی را به طور معناداری پیش‌بینی می‌کنند. در پایان مقاله، کاربردهای عملی یافته‌ها برای معلمان، مشاوران و سیاست‌گذاران آموزشی مورد بحث قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: درگیری تحصیلی، انگیزه تحصیلی، نظریه خودتعیین‌گری، حمایت معلم، حمایت والدینی، نیازهای بنیادی روانشناختی

مقدمه

درگیری تحصیلی یکی از مفاهیم کلیدی در روان‌شناسی تربیتی و علوم تربیتی است که در دهه‌های اخیر توجه گسترده‌ای را به خود جلب کرده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که درگیری تحصیلی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت تحصیلی، تداوم تحصیلی و بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان محسوب می‌شود به نقل از وانگ و همکاران¹ (2025). با این حال، شواهد نشان می‌دهد که دوران نوجوانی و به ویژه دوره متوسطه، زمان کاهش چشمگیر انگیزه و درگیری تحصیلی در دانش‌آموزان است (روبیو²، 2018). این موضوع، ضرورت شناسایی عوامل مؤثر بر درگیری تحصیلی و طراحی مداخلات مؤثر برای افزایش آن را آشکار می‌سازد.

درگیری تحصیلی به عنوان میزان مشارکت فعال دانش‌آموز در فرآیند یادگیری تعریف می‌شود که فراتر از حضور فیزیکی در کلاس و شامل ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است (فردریک و همکاران³، 2009)؛ به نقل از به عبارت دیگر، دانش‌آموز درگیر، نه تنها در فعالیت‌های کلاسی شرکت می‌کند (درگیری رفتاری)، بلکه نسبت به یادگیری احساس مثبت دارد (درگیری عاطفی) و از راهبردهای شناختی عمیق برای درک مطالب استفاده می‌نماید (درگیری شناختی).

هدف این مقاله، مرور نظام‌مند بر مبانی نظری و یافته‌های پژوهشی درباره عوامل مؤثر بر درگیری تحصیلی و انگیزه دانش‌آموزان است. سؤال اصلی پژوهش این است که چه عواملی در سطوح فردی، خانوادگی و مدرسه‌ای بر درگیری تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند و سازوکارهای تأثیرگذاری آن‌ها چگونه است؟

مدل سه‌بعدی درگیری تحصیلی

پژوهش‌های اولیه در حوزه درگیری تحصیلی عمدتاً بر اساس مدل سه‌بعدی فردریکس و همکاران (۲۰۰۴) شکل گرفته‌اند که درگیری را به سه مؤلفه رفتاری، شناختی و عاطفی تقسیم می‌کند (وانگ و همکاران، 2025).

درگیری رفتاری به مشارکت قابل مشاهده دانش‌آموز در فعالیت‌های تحصیلی شامل توجه، تلاش، پشتکار و رعایت قوانین کلاسی اشاره دارد. دانش‌آموزانی که درگیری رفتاری بالایی دارند، در کلاس فعال هستند، تکالیف خود را به موقع انجام می‌دهند و در مواجهه با مشکلات تحصیلی پشتکار نشان می‌دهند (فردریک و همکاران، 2009).

درگیری شناختی زمانی رخ می‌دهد که دانش‌آموزان از مهارت‌های شناختی سطح بالا مانند تفکر انتقادی، کاوش مفهومی و تلفیق دانش در حوزه‌های مختلف استفاده می‌کنند؛ (میچل و کربون⁴، 2023). دانش‌آموزانی که درگیری شناختی بالایی دارند، به جای حفظ طوطی‌وار مطالب، به دنبال درک عمیق و ارتباط معنادار میان مفاهیم هستند.

¹ Wang et al² Rubio³ Fredricks et al⁴ Mitchell & Carbone

درگیری عاطفی بیانگر ارتباط عاطفی دانش‌آموزان با محیط آموزشی است و شامل واکنش‌های عاطفی آن‌ها نسبت به معلم، همکلاسی‌ها و محتوای درسی می‌شود (شکی، ۲۰۲۲). درگیری عاطفی مثبت، به ویژه با ایجاد احساس تعلق به مدرسه، نقش مهمی در افزایش انگیزه و تداوم تحصیلی ایفا می‌کند.

درگیری تحصیلی به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در روان‌شناسی تربیتی، بیانگر میزان مشارکت فعال و کیفی دانش‌آموز در فرآیند یادگیری است. پژوهش‌های داخلی نیز این مفهوم را به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ای قوی برای موفقیت تحصیلی معرفی کرده‌اند. میرزائی زارگز و خواجه (۱۴۰۳) در مقاله خود با عنوان «درگیری تحصیلی در دانش‌آموزان» بیان می‌کنند که دانش‌آموزانی که از درگیری تحصیلی بیشتری برخوردارند، دارای انگیزه و اشتیاق بیشتری هستند و در برابر چالش‌های تحصیلی خلاقانه‌تر رفتار می‌کنند. همچنین، این پژوهش تأکید دارد که درگیری تحصیلی نقش مهمی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزانی که معنا و هدفی برای فعالیت‌های خود می‌یابند، به طور فزاینده از یادگیری لذت می‌برند و برای کسب موفقیت انرژی بیشتری دارند.

مدل سه‌بعدی فردریکس و همکاران (۲۰۰۴) که در مقاله اصلی به آن اشاره شد، در پژوهش‌های داخلی نیز به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس این مدل:

درگیری رفتاری به مشارکت قابل مشاهده دانش‌آموز در فعالیت‌های کلاسی و تحصیلی اشاره دارد. پژوهش ابراهیمی، مولودی و طه‌وری همراه (۱۴۰۴) با عنوان «درگیری تحصیلی دانش‌آموزان: بررسی نقش احساس تعلق به مدرسه، شیوه‌های والدگری و نیازهای بنیادی روانی» نشان داد که احساس تعلق به مدرسه با ضریب بتای ۰/۳۳۲ و سبک والدگری قاطع با ضریب بتای ۰/۵۰۸، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های درگیری تحصیلی هستند. این یافته مؤید آن است که رفتارهای دانش‌آموز در محیط مدرسه، ریشه در عوامل محیطی و خانوادگی عمیق‌تری دارد.

درگیری شناختی به استفاده از راهبردهای یادگیری عمیق مانند تفکر انتقادی، کاوش مفهومی و خودتنظیمی اشاره دارد. مقاله علمی پژوهشی «مدلیابی درگیری تحصیلی بر اساس ادراک از محیط کلاس درس و انگیزش تحصیلی با نقش واسطه‌ای خودکارآمدی تحصیلی» (اکبری، خنشان، تمنائی‌فر و تابش، ۱۴۰۴) نشان داد که خودکارآمدی تحصیلی در رابطه بین ادراک از محیط کلاس و انگیزش تحصیلی با درگیری تحصیلی نقش واسطه‌ای دارد. این بدان معناست که دانش‌آموزانی که محیط کلاس را حمایت‌گر درک می‌کنند و انگیزش تحصیلی بالایی دارند، از طریق افزایش خودکارآمدی، به سمت استفاده از راهبردهای شناختی عمیق‌تر سوق پیدا می‌کنند.

درگیری عاطفی به احساسات مثبت دانش‌آموز نسبت به مدرسه، معلم و محتوای درسی اشاره دارد. ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهش خود رابطه مثبت و معناداری بین احساس تعلق به مدرسه و درگیری تحصیلی با ضریب همبستگی ۰/۵۷۴ گزارش کردند. این یافته نشان می‌دهد که وقتی دانش‌آموزان از نظر عاطفی به مدرسه تعلق خاطر داشته باشند، به طور طبیعی در فعالیت‌های تحصیلی نیز مشارکت بیشتری خواهند داشت.

گسترش مدل: درگیری عاملیت محور و اجتماعی

پژوهش های اخیر، مدل سه بعدی را با افزودن دو بعد جدید گسترش داده اند. درگیری عاملیت محور که توسط ریو و تسنگ (۲۰۱۱) معرفی شد، به مشارکت فعال و پیش دستانه دانش آموز در فرآیند یادگیری اشاره دارد؛ فعالیت هایی مانند پرسشگری، ابراز ترجیحات و بیان نیازهای یادگیری (ریو و تسنگ^۵، ۲۰۱۱). بعد دیگر، درگیری اجتماعی است که به تعاملات دوسویه میان یادگیرندگان اشاره دارد و به ویژه در محیط های یادگیری مشارکتی از اهمیت بالایی برخوردار است (دائو^۶، ۲۰۲۱).

نظریه خودتعیین گری به عنوان چارچوب تبیینی

نظریه خودتعیین گری (SDT) که توسط دسی و رایان (۲۰۰۰) ارائه شده است، یکی از تأثیرگذارترین چارچوب های نظری برای تبیین درگیری تحصیلی محسوب می شود بر اساس این نظریه، انسان ها دارای سه نیاز بنیادی روانشناختی هستند که تأمین آن ها برای بهزیستی و انگیزه درونی ضروری است:

نیاز به خودمختاری: احساس اینکه رفتارها و انتخاب های فرد ریشه در خود او دارد و تحت کنترل بیرونی نیست. نیاز به شایستگی: احساس توانمندی و کارآمدی در انجام وظایف و فعالیت ها. نیاز به ارتباط: احساس تعلق، ارتباط معنادار و پذیرش از سوی دیگران.

تحقیقات متعددی نشان داده اند که تأمین این سه نیاز در محیط های آموزشی، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر درگیری تحصیلی دانش آموزان تأثیر می گذارد ((رایان و دسی^۷، ۲۰۲۴). زمانی که دانش آموزان احساس کنند در یادگیری خود استقلال دارند، توانمند هستند و با دیگران ارتباط معنادار برقرار می کنند، انگیزه درونی و درگیری تحصیلی آن ها افزایش می یابد. برعکس، ناکامی در تأمین هر یک از این نیازها می تواند به کاهش چشمگیر انگیزه و درگیری منجر شود.

نظریه خودتعیین گری (SDT) به عنوان یکی از تأثیرگذارترین چارچوب های نظری، در پژوهش های داخلی نیز به طور گسترده مورد تأیید قرار گرفته است. این نظریه بر سه نیاز بنیادی روانشناختی تأکید دارد که تأمین آن ها برای بروز انگیزه درونی و درگیری تحصیلی ضروری است.

پژوهش «مدل درگیری تحصیلی بر اساس سرمایه روانشناختی با میانجی گری خودتعیین گری» که در نشریه علمی وزارت علوم منتشر شده، نشان داد که خودتعیین گری نقش میانجی مثبت و معناداری در ارتباط بین سرمایه روانشناختی و درگیری تحصیلی دارد و الگوی پیشنهادی ۳۳ درصد از واریانس درگیری تحصیلی دانش آموزان را تبیین می کند. این یافته اهمیت خودتعیین گری را به عنوان سازوکار اصلی تأثیرگذاری عوامل روانشناختی بر درگیری تحصیلی نشان می دهد.

⁵ Reeve & Tseng⁶ Dao⁷ Ryan & Deci

نیاز به خودمختاری زمانی که دانش آموزان احساس کنند در فرآیند یادگیری خود استقلال دارند و انتخاب های آن ها مورد احترام است، انگیزه درونی آن ها افزایش می یابد. تحقیقات نشان داده است که کلاس های حامی خودمختاری، شرایطی را فراهم می کنند که به نوبه خود باعث برآورده شدن نیازهای روانشناختی دانش آموزان می شود در مقابل، عدم ارضای این نیازها از سوی معلمان، منجر به کاهش انگیزش و خودکارآمدی دانش آموزان می شود.

نیاز به شایستگی: احساس توانمندی و کارآمدی در انجام وظایف تحصیلی، پیش بینی کننده مهمی برای درگیری تحصیلی است. بر اساس پژوهش های بندورا (۱۹۹۷) که در مقالات داخلی به آن استناد شده است، باورهای خودکارآمدی می تواند عاملی اثرگذار بر درگیری تحصیلی دانش آموزان باشد. افرادی که احساس کارآمدی بالایی دارند، صحنه های موفقیت را تجسم می کنند که حمایت هایی برای عملکرد فراهم می کند؛ در حالی که کسانی که در خودکارآمدی خود تردید دارند، صحنه های شکست را تصور کرده و از تلاش باز می مانند.

نیاز به ارتباط: احساس تعلق و ارتباط معنادار با دیگران (معلمان و همسالان) در محیط مدرسه، نقشی حیاتی در درگیری تحصیلی ایفا می کند. پژوهش ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۴) نشان داد که احساس تعلق به مدرسه با ضریب همبستگی ۰/۵۷۴ با درگیری تحصیلی رابطه مثبت و معنادار دارد. همچنین، بر اساس نظریه خودتعیین گری، افراد ارزش ها و هنجارهای کسانی را که با آن ها روابط خوبی دارند، می پذیرند و برآورده شدن نیازهای اساسی روانشناختی موجب لذت بردن دانش آموزان از یادگیری می شود.

عوامل مؤثر بر درگیری تحصیلی: مرور یافته های پژوهشی

نقش حمایت معلم

معلمان به عنوان مهم ترین عامل محیطی در زندگی تحصیلی دانش آموزان، نقشی بی بدیل در شکل گیری درگیری تحصیلی ایفا می کنند. مرور نظام مند پژوهش های انجام شده بین سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ نشان می دهد که حمایت معلم از طریق متغیرهای میانجی مختلفی از جمله تأمین نیازهای بنیادی روانشناختی، خودکارآمدی و انگیزه، بر درگیری تحصیلی تأثیر می گذارد (لوبو^۸، ۲۰۲۵).

حمایت خودمختاری معلم به عنوان یکی از مهم ترین ابعاد حمایت معلم شناسایی شده است. حمایت خودمختاری معلم به درجه ای اطلاق می شود که دانش آموز احساس می کند معلم به توانایی های او اعتماد دارد، او را درک می کند، به او فرصت انتخاب می دهد و از تحمیل کنترل بیرونی پرهیز می نماید.

پژوهش ها نشان داده اند که حمایت خودمختاری معلم به طور مستقیم و معناداری با درگیری تحصیلی دانش آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی مرتبط است.

شوئدر و روفلدر (۲۰۲۲) نشان دادند زمانی که دانش آموزان میزان بالایی از حمایت خودمختاری و نزدیکی عاطفی را از معلم خود درک می کنند، استفاده از راهبردهای یادگیری عمیق در آن ها به طور

قابل توجهی افزایش می‌یابد. همچنین، پژوهش لوبو (۲۰۲۵) نشان داد که رابطه بین حمایت معلم و درگیری تحصیلی توسط ویژگی‌های فردی دانش‌آموز (مانند خودکارآمدی و انگیزه) و عوامل محیط مدرسه (کیفیت روابط معلم-دانش‌آموز و روابط همسالان) تعدیل و میانجی‌گری می‌شود.

معلمان به عنوان مهم‌ترین عامل محیطی در زندگی تحصیلی دانش‌آموزان، نقشی بی‌بدیل در شکل‌گیری درگیری تحصیلی ایفا می‌کنند. پژوهش حبیبی و ایزی (۱۴۰۲) با عنوان «نقش تدریس اثربخش معلمان بر درگیری تحصیلی دانش‌آموزان» نشان داد که بین تدریس اثربخش معلمان و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. مؤلفه‌های کلیدی تدریس اثربخش که بیشترین تأثیر را بر درگیری تحصیلی دارند عبارتند از:

- تهیه طرح درس مناسب
- مدیریت زمان
- ایجاد روحیه و جو مثبت در کلاس
- استفاده از تقویت‌کننده‌های مثبت
- ایجاد جو یادگیری مشارکتی

پژوهش اکبری و همکاران (۱۴۰۴) نیز با مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که ادراک از محیط کلاس درس، همبستگی مثبت و معناداری با درگیری تحصیلی دارد و خودکارآمدی تحصیلی در این رابطه نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند. این یافته بیانگر آن است که صرفاً وجود یک محیط کلاس خوب کافی نیست؛ بلکه دانش‌آموزان باید این محیط را به عنوان محیطی حمایت‌گر درک کنند تا تأثیر آن بر خودکارآمدی و درگیری تحصیلی آن‌ها تحقق یابد.

تحقیقات نشان داده است که سبک تدریس نیز بر درگیری تحصیلی تأثیر می‌گذارد. دانش‌آموزان معمولاً سبک تدریس دانش‌آموز-محور (فعال) را به سبک استاد-محور ترجیح می‌دهند و این سبک با درگیری تحصیلی بالاتری همراه است. همچنین، میزان درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دختر معمولاً بیشتر از دانش‌آموزان پسر گزارش شده است.

نقش حمایت والدینی

خانواده به عنوان اولین و پایدارترین بافت اجتماعی، نقش مهمی در شکل‌گیری انگیزه و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که حمایت خودمختاری والدین تأثیر مثبت و معناداری بر درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دارد. صقال و سونمز (۲۰۲۲) در پژوهش خود با دانش‌آموزان مقطع متوسطه نشان دادند که حمایت خودمختاری والدین، به ویژه در حوزه ریاضی، تأثیر مستقیم و معناداری بر درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دارد. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که تأثیر



والدین بر درگیری تحصیلی در دوره نوجوانی پیچیده‌تر از آن است که صرفاً با بررسی سبک‌های فرزندپروری قابل تبیین باشد. روبیو (۲۰۱۸) در پژوهش خود با عنوان «ادراک نوجوانان از شیوه‌های فرزندپروری و تأثیر آن بر موفقیت، انگیزه تحصیلی و تعلق به مدرسه» نشان می‌دهد که علاوه بر سبک‌های فرزندپروری، شیوه‌های عملی والدین مانند نظارت و مشارکت در امور تحصیلی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در انگیزه و تعلق دانش‌آموزان به مدرسه دارند.

در پژوهش دیگری، آمانی و همکاران (۲۰۲۰) با مطالعه دختران پایه ششم نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری با میانجی‌گری مشارکت والدین و خودتنظیمی دانش‌آموزان، پیش‌بینی‌کننده معنادار پیشرفت تحصیلی هستند. این یافته بر اهمیت توجه به فرایندهای واسطه‌ای در رابطه بین شیوه‌های تربیتی و پیامدهای تحصیلی تأکید دارد.

خانواده به عنوان اولین و پایدارترین بافت اجتماعی، نقش اساسی در شکل‌گیری انگیزه و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دارد. پژوهش ابراهیمی، مولودی و طهوری همراه (۱۴۰۴) به طور مشخص به بررسی نقش شیوه‌های والدگری در درگیری تحصیلی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که:

سبک والدگری قاطع (مقتدرانه) با ضریب همبستگی 0.607 ، بیشترین رابطه مثبت و معنادار را با درگیری تحصیلی دارد. سبک قاطع که توأم با گرمی، حمایت و در عین حال تعیین حدود مناسب است، بهترین پیامدهای تحصیلی را در پی دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که سبک قاطع با ضریب بتای 0.508 ، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده درگیری تحصیلی است.

سبک والدگری سهل‌گیرانه با ضریب همبستگی -0.477 و سبک مستبدانه با ضریب همبستگی -0.485 ، رابطه معکوس و معناداری با درگیری تحصیلی دارند. به عبارت دیگر، هرچه والدین کنترل‌گراتر یا بی‌تفاوت‌تر باشند، فرزندان آن‌ها درگیری تحصیلی کمتری را تجربه می‌کنند. ضریب بتای سبک مستبدانه (-0.277) و سبک سهل‌گیرانه (-0.170) نیز تأییدکننده این رابطه معکوس است.

نیازهای بنیادی روانشناختی با ضریب همبستگی 0.393 رابطه مثبت و معناداری با درگیری تحصیلی دارند این یافته نشان می‌دهد که تأمین نیازهای اساسی روانشناختی در محیط خانواده و مدرسه، به عنوان یک سازوکار کلیدی، درگیری تحصیلی را افزایش می‌دهد.

نقش جو مدرسه و حمایت همسالان

جو مدرسه و روابط با همسالان به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از تجربه تحصیلی دانش‌آموزان، تأثیر عمیقی بر درگیری تحصیلی دارند. پژوهش خادمی و همکاران (۲۰۲۴) با بررسی مدل علی ادراک از جو مدرسه بر درگیری تحصیلی دانش‌آموزان دختر متوسطه نشان داد که ابعاد مختلف ادراک از جو مدرسه شامل حمایت معلم، حمایت همسالان، خودمختاری دانش‌آموزان و شفافیت و ثبات قوانین، پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت و معناداری برای درگیری تحصیلی هستند. این پژوهش نشان داد که انگیزه پیشرفت نقش میانجی در رابطه بین ابعاد جو مدرسه و درگیری تحصیلی ایفا می‌کند؛ بدین معنا که جو

مثبت مدرسه ابتدا با افزایش انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان، سپس از این طریق به افزایش درگیری تحصیلی منجر می‌شود.

حمایت همسالان نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع حمایت اجتماعی در محیط مدرسه شناسایی شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که حمایت همسالان به طور مستقیم و مثبت با درگیری تحصیلی مرتبط است؛ به طوری که دانش‌آموزانی که از سوی همسالان خود حمایت عاطفی و تحصیلی دریافت می‌کنند، سطح بالاتری از درگیری تحصیلی را تجربه می‌کنند (یانگ و شیانگ⁹، 2025). زمانی که دانش‌آموزان با مشکلات تحصیلی مواجه می‌شوند، دریافت تشویق و اطلاعات حمایت‌کننده از سوی همسالان می‌تواند درگیری تحصیلی و موفقیت آن‌ها را افزایش دهد.

نقش نیازهای بنیادی روانشناختی به عنوان سازوکار واسطه‌ای

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهشی در سال‌های اخیر، شناسایی نقش واسطه‌ای نیازهای بنیادی روانشناختی در رابطه بین حمایت‌های محیطی و درگیری تحصیلی است. پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۲۵) با رویکرد روش‌شناسی ترکیبی در بافت یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبانی خارجی نشان داد که تأمین نیازهای بنیادی روانشناختی تأثیر مستقیم و مثبتی بر درگیری تکلیفی دارد به عبارت دیگر، هنگامی که دانش‌آموزان احساس کنند نیازهای آن‌ها به خودمختاری، شایستگی و ارتباط در محیط آموزشی برآورده می‌شود، با اشتیاق و تلاش بیشتری در فعالیت‌های یادگیری مشارکت می‌کنند.

پژوهش آخانلو و همکاران (۲۰۲۵) با رویکرد کیفی و مطالعه پدیدارشناختی بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی تهران، نشان داد که منابع درگیری تحصیلی شامل «محیط‌های یادگیری جهت‌یافته»، «ارزش‌مندی و امیدواری»، «روابط رشدآفرین»، «پویایی‌های نگرشی افزایش‌دهنده درگیری» و «پویایی‌های عملکردی افزایش‌دهنده درگیری» است. در مقابل، موانع درگیری تحصیلی شامل «محیط‌های یادگیری بی‌جهت»، «بی‌ارزش‌سازی و ناامیدی»، «روابط آسیب‌زا» و «پویایی‌های نگرشی و عملکردی بازدارنده» شناسایی شدند. این یافته‌های کیفی نشان می‌دهند که درگیری تحصیلی یک فرایند چندبعدی و پویاست که از تعامل عوامل محیطی، شناختی و انگیزشی شکل می‌گیرد و مداخلات آموزشی باید با در نظر گرفتن این تعاملات طراحی شوند.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام آموزشی، پدیده بی‌انگیزگی تحصیلی است که به ویژه در دوره متوسطه اول نمود بیشتری پیدا می‌کند. مقاله کنفرانسی «بررسی عوامل مؤثر در بی‌انگیزگی تحصیلی و رابطه آن با درگیری تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه» (۱۴۰۴) به طور جامع به این موضوع پرداخته است. ¹⁻

بر اساس این پژوهش، بی‌انگیزگی تحصیلی نه تنها به کاهش عملکرد تحصیلی و افت نمرات منجر می‌شود، بلکه با پیامدهای جدی‌تری مانند:

- افت عزت نفس
- افزایش ترک تحصیل

• بروز رفتارهای پرخطر

• شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به مدرسه

نیز همراه است. ارتباط بین بی‌انگیزگی تحصیلی و کاهش درگیری تحصیلی به صورت زنجیره‌ای عمل می‌کند و می‌تواند چرخه‌ای معیوب از بی‌علاقگی، بی‌تفاوتی و انزوا در محیط مدرسه ایجاد کند.

عوامل مؤثر بر بی‌انگیزگی تحصیلی در سه سطح دسته‌بندی شده‌اند:

سطح فردی: عزت نفس پایین، اضطراب امتحان، ناتوانی در مدیریت زمان، باورهای منفی نسبت به توانمندی‌های شخصی

سطح خانوادگی: نبود حمایت عاطفی، فشارهای بیش از حد یا بی‌تفاوتی والدین، مشکلات اقتصادی، فضای ناسالم خانوادگی

سطح مدرسه‌ای: روش‌های سنتی تدریس، عدم تعامل مثبت با معلمان، کمبود امکانات آموزشی، فضای رقابتی ناسالم بین دانش‌آموزان.

بر اساس مرور جامع پژوهش‌های داخلی، می‌توان نتیجه گرفت که درگیری تحصیلی یک سازه چندبعدی و پویاست که تحت تأثیر تعامل پیچیده عوامل فردی، خانوادگی و مدرسه‌ای شکل می‌گیرد. مدل‌های نظری مانند نظریه خودتعیین‌گری و مدل سه‌بعدی فردیکس، چارچوب مناسبی برای درک این تعاملات فراهم می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، مبانی نظری و یافته‌های پژوهشی مرتبط با درگیری تحصیلی و انگیزه دانش‌آموزان مرور شد. یافته‌های مرور نظام‌مند پژوهش‌ها نشان می‌دهد که درگیری تحصیلی یک سازه چندبعدی است که شامل مؤلفه‌های رفتاری، شناختی، عاطفی، عاملیت‌محور و اجتماعی است. بر اساس نظریه خودتعیین‌گری، تأمین نیازهای بنیادی روانشناختی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) به عنوان مهم‌ترین سازوکار تبیین‌کننده درگیری تحصیلی عمل می‌کند.

عوامل مؤثر بر درگیری تحصیلی را می‌توان در سه سطح دسته‌بندی کرد:

سطح فردی: شامل خودکارآمدی، انگیزه پیشرفت و باورهای انگیزشی دانش‌آموزان است که به عنوان متغیرهای میانجی در رابطه بین حمایت‌های محیطی و درگیری تحصیلی عمل می‌کنند.

سطح خانواده: حمایت خودمختاری والدین، مشارکت والدین در امور تحصیلی و شیوه‌های فرزندپروری، از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های خانوادگی درگیری تحصیلی هستند.

سطح مدرسه: حمایت خودمختاری معلم، کیفیت روابط معلم-دانش آموز، جو مدرسه و حمایت همسالان، عواملی هستند که به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق تأمین نیازهای بنیادی روانشناختی، درگیری تحصیلی را تحت تأثیر قرار می دهند.

کاربردهای عملی

یافته های این پژوهش برای معلمان، مشاوران و سیاست گذاران آموزشی کاربردهای مهمی دارد:

برای معلمان: ایجاد محیط یادگیری حمایت گر که در آن به دانش آموزان فرصت انتخاب داده شود (حمایت خودمختاری)، بازخورد سازنده و اطلاعاتی درباره پیشرفت آن ها ارائه شود (حمایت شایستگی) و روابط مثبت و مبتنی بر احترام با دانش آموزان برقرار گردد (حمایت ارتباط)، می تواند به طور قابل توجهی درگیری تحصیلی را افزایش دهد. همچنین، استفاده از روش های تدریس فعال و مشارکتی که درگیری رفتاری و شناختی را تقویت می کنند، توصیه می شود.

۱. ایجاد جو مثبت و حمایت گر در کلاس با استفاده از تقویت کننده های مثبت.
 ۲. طراحی تکالیف چالش برانگیز و متنوع که با استعداد های دانش آموزان همخوانی داشته باشد.
 ۳. استفاده از روش های تدریس دانش آموز-محور و مشارکتی.
 ۴. ارائه بازخورد سازنده و اطلاعاتی درباره پیشرفت دانش آموزان برای افزایش خودکارآمدی آن ها.
- برای مشاوران و برنامه ریزان آموزشی: طراحی برنامه های مداخله ای که بر تقویت انگیزه پیشرفت و خودکارآمدی دانش آموزان متمرکز هستند، می تواند نقش میانجی این متغیرها را در افزایش درگیری تحصیلی به کار گیرد. همچنین، شناسایی و رفع موانع درگیری تحصیلی شامل محیط های یادگیری بی جهت، روابط آسیب زای ناامیدی تحصیلی، از اولویت های برنامه ریزی آموزشی است.

۱. طراحی برنامه های مداخله ای برای افزایش سرمایه روان شناختی و خودتعیین گری دانش آموزان
 ۲. شناسایی و رفع موانع درگیری تحصیلی شامل محیط های یادگیری بی جهت و روابط آسیب زای
 ۳. توجه به تفاوت های فردی و جنسیتی در طراحی برنامه های آموزشی
- برای والدین: حمایت خودمختاری (به جای کنترل گری)، مشارکت مثبت در امور تحصیلی و ایجاد فضای خانوادگی مبتنی بر اعتماد و احترام، می تواند به افزایش انگیزه و درگیری تحصیلی فرزندان کمک کند. سبک فرزندپروری قاطع و حمایت گر که توأم با استقلال دهی و نظارت مناسب باشد، بهترین پیامدهای تحصیلی را در پی دارد.

۱. اتخاذ سبک والدگری قاطع (مقتدرانه) که توأم با حمایت عاطفی و تعیین حدود مناسب باشد.
۲. اجتناب از سبک های کنترل گر (مستبدانه) یا بی تفاوت (سهل گیرانه)
۳. مشارکت مثبت در امور تحصیلی فرزندان بدون اعمال فشارهای بیش از حد

محدودیت‌ها و پیشنهادات برای پژوهش‌های آینده

مرور حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. بخش عمده پژوهش‌های بررسی شده، با روش‌های کمی و مقطعی انجام شده‌اند و مطالعات طولی که بتوانند روابط علی را با اطمینان بیشتری نشان دهند، کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین، بیشتر پژوهش‌ها بر بافت‌های آموزشی خاص (مانند چین یا ایران) متمرکز بوده‌اند و تعمیم‌پذیری یافته‌ها به سایر بافت‌های فرهنگی نیازمند بررسی بیشتر است.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده در حوزه‌های زیر متمرکز شوند:

۱. بررسی روابط علی بین حمایت‌های محیطی، نیازهای بنیادی روانشناختی و درگیری تحصیلی با استفاده از طرح‌های طولی و آزمایشی.

۲. بررسی نقش فناوری‌های نوین و محیط‌های یادگیری دیجیتال بر درگیری تحصیلی و انگیزه دانش‌آموزان.

۳. مطالعه تطبیقی عوامل مؤثر بر درگیری تحصیلی در بافت‌های فرهنگی مختلف برای شناسایی نقش فرهنگ در این فرایندها.

۴. طراحی و ارزشیابی برنامه‌های مداخله‌ای مبتنی بر یافته‌های این پژوهش برای افزایش درگیری تحصیلی دانش‌آموزان در معرض خطر.

منابع

- ابراهیمی، صلاح‌الدین؛ مولودی، سیامند و طهوری‌همراه، رامتین (۱۴۰۴). درگیری تحصیلی دانش‌آموزان: بررسی نقش احساس تعلق به مدرسه، شیوه‌های والدگری و نیازهای بنیادی روانی پژوهش‌های تربیتی، ۱۷(۵۱)-۴۴--
- اکبری، معصومه؛ خنشان، محبوبه؛ تمنائی‌فر، محمدرضا و تابش، ریحانه (۱۴۰۴). مدلیابی درگیری تحصیلی بر اساس ادراک از محیط کلاس درس و انگیزش تحصیلی با نقش واسطه‌ای خودکارآمدی تحصیلی. *خانواده و پژوهش*، ۲۲(مجلد مربوطه)، ۱۰۹-.
- حبیبی، سمیرا و ایزی، مریم (۱۴۰۲). نقش تدریس اثربخش معلمان بر درگیری تحصیلی دانش‌آموزان. *اولین همایش ملی سواد تربیتی معلم*-
- مقاله علمی وزارت علوم. مدل درگیری تحصیلی بر اساس سرمایه روان‌شناختی با میانجی‌گری خودتعیین‌گری. *پرتال جامع علوم انسانی*-
- میرزائی زارگز، آمنه و خواجه، فاطمه‌زهره (۱۴۰۳). درگیری تحصیلی در دانش‌آموزان. *بومین کنفرانس ملی مطالعات مدیریت و علوم تربیتی*-
- بررسی عوامل مؤثر در بی‌انگیزگی تحصیلی و رابطه آن با درگیری تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه (۱۴۰۴) *کنفرانس ملی مطالعات مدیریت و علوم تربیتی*.
- Amani, M., Nazifi, M., & Sorkhabi, N. (2020). Parenting styles and academic achievement of early adolescent girls in Iran: Mediating roles of parent involvement and self-regulated learning. *European Journal of Psychology of Education*, 35, 49-72. [2](#)
- Dehdast, K., Zibaeinejad, M., & Alikhanloo, M. (2025). Lived experiences of high school students regarding the sources and barriers of academic enthusiasm. *Journal of Counseling Culture and Psychotherapy*, 16(61), 1-28. [9-14](#)
- Fredricks, J. A., Blumenfeld, P. C., & Paris, A. H. (2004). School engagement: Potential of the concept, state of the evidence. *Review of Educational Research*, 74(1), 59-109. [3](#)
- Frontiers in Psychology. (2025). Parental autonomy support, teacher autonomy support, peer support, and academic engagement. *Frontiers in Psychology*, 16, 1503473. [8](#)



Khademi, M., et al. (2024). Causal model of the effect of perception of school on the academic engagement of female students with a mediating role of achievement motivation. *Islamic Azad University, Marvdasht Branch*. -4

Lobo, J. (2025). Perceived teacher support and student engagement among higher education students – A systematic literature review. *BMC Psychology*, 13(1), 1-18. -6

Reeve, J., & Tseng, C. M. (2011). Agency as a fourth aspect of students' engagement during learning activities. *Contemporary Educational Psychology*, 36(4), 257-267. -3

Rubio, D. Jr. (2018). *Adolescents' perceptions of parenting practices and their influence on success, academic motivation, and school belonging*. University of South Florida Graduate Theses and Dissertations. -7

Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2020). Intrinsic and extrinsic motivation from a self-determination theory perspective: Definitions, theory, practices, and future directions. *Contemporary Educational Psychology*, 61, 101860. -3

Wang, P., Ganushchak, L., Welie, C., & van Steensel, R. (2025). The role of basic psychological needs in task engagement: A mixed-methods study in Chinese university EFL contexts. *SAGE Open*, 15(1), 1-18.